## حکایت - خوراک و پوشاک و کار خدا!

پادشاهی به وزیرش گفت: «اگر تا فردا صبح پاسخ این پرسش‌ها را ندهی، تو را عزل می‌کنم؛ خدا چه می‌خورد، چه می‌پوشد و چه کار می‌کند!» وزیر درمانده شد. غلامش پرسش‌ها را شنید و گفت: «این‌ها که کاری ندارد. خدا غم بندگانش را می‌خورد و گناهان و رازهای آنان را می‌پوشد، اما برای پاسخ پرسش سوم باید بازگردی و لباس وزارت را تنِ من کنی تا نزد شاه بروم.» وزیر که از جواب‌های جالب غلام تسلیم شده بود، همین کار را کرد. پادشاه پاسخ دو پرسش را شنید و منتظر سومی بود که غلام و وزیر با لباس همدیگر وارد شدند. شاه متحیر پرسید: «این چه حالت است؟!» غلام گفت: «این همان کاری است که خدا می‌کند؛ غلامی را در خلعت وزیری و وزیری را در لباس غلامی درمی‌آورد.»

## پامنبری - #سنصلی\_فی \_القدس

به حسب منطق و گذر زمان و نه بر اساس علم غیب، امروز فرصت داریم تا در قدس نماز بخوانیم؛ رژیم‌های تسلیم شده عربی و حمایت‌های آمریکا نقطه اتکای اسرائیل هستند و این رژیم فی ذاته قدرتی ندارد. به همین خاطر همواره از حکام عرب خواسته­ایم که علیه ملت فلسطین توطئه نکنند و اجازه بدهند که فقط ما با دشمن مقابله کنیم. اسرائیل به هیج وجه ماندنی نخواهد بود.

سید حسن نصرالله

## سیره خوبان - ام وهب­های ایرانی

حاج صادق آهنگران در بخشی از خاطرات خود می نویسد:

«اسماعیل فرجوانی» فرمانده تیپ یکم لشکر7 ولی­عصرعجل الله تعالی فرجه بود. او در یکی از عملیات‌ها مجروح گردید و یک دستش قطع شد. ایشان درعملیات والفجر 4 به شهادت رسید و پیکر پاکش، مانند مولایش اباعبدالله صلوات‌الله‌علیه سر در بدن نداشت. وقتی جنازه­ او را به اهواز آوردند، مادرش هم آنجا بود. به خاطر اینکه پیکر، سر در بدن نداشت، بچه‌ها اجازه نمی­دادند مادرش بالای سرش بیاید، اما ایشان کوتاه نمی­آمد و می­گفت: «هر طور شده من باید بچه­ام رو ببینم.» درنهایت، بچه­ها کوتاه آمدند و حاج­خانم توانست جنازه­ فرزندش راببیند. همه منتظر بودند صحنه­های دل­خراش و مویه مادر و خراشیدن صورتش را ببینند، اما مادر اسماعیل به‌قدری صلابت نشان داد که تعجب همه را برانگیخت.

حاج­خانم وقتی بالای پیکر بدون سر فرزندش آمد و با آن وضع مواجه شد، فقط سه بار بلندگفت: «مرگ برآمریکا، مرگ برآمریکا، مرگ برآمریکا» بعدزینب وار، بوسه­ای برحنجره­ جگرگوشه­اش زد و بدون گریه و زاری محوطه را ترک کرد. این صحنه تأثیرعجیبی روی من گذاشت. پس از آن، ماوقع را برای آقای معلمی شرح دادم و او هم نوحه­هایی با مضمون مادر، از جمله: «بیا ای مهربان مادر، کنار سنگر من» یا «ای مادر قهرمان، شد نوجوانت فدا» و... را سرود و من آن‌ها را اجراکردم.

## کتاب خوب - فرشته­ای در تانک

هادی خورشاهیان نویسنده­ توانای نوجوان با «فرشته‌ای در تانک» سعی می­کند مرز میان خیال و واقعیت را بشکند. بعضی بر این باورند او می­کوشد گونه­ جدیدی از واقعیت را که پیش از این خیال انگاشته می­شد، رونمایی کند.

نویسنده: هادی خورشاهیان، ناشر: کتابستان معرفت، تعداد صفحات: 248، قیمت: 22500

## دانستنی­ها - دانه­های ریز

یکی از ترکیبات عمومی برای درمان کبد چرب، استفاده از «خاکشیر» است که البته کاربردهای خاکشیر در حوزه درمان‌های طب سنتی بسیار گسترده است؛ استفاده از جوشانده یک تا دو قاشق غذاخوری خاکشیر به‌ صورت ناشتا، نقش بسیار چشمگیری در درمان کبد چرب و عوارض کبدی دارد. البته در کنار مصرف خاکشیر باید سایر پرهیزها و تدابیر لازم را نیز رعایت کرد؛ مانند پرهیز از مصرف آب یخ، پرهیز از مصرف روغن‌های مایع تراریخته موجود در بازار و غیره.

منبع : سلامت نیوز

## درس و بحث - ضرب یا تقسیم؟!

وقتی یک عدد را بر یک عدد دیگر تقسیم می‌کنیم، در واقع داریم یک عمل ضرب انجام می‌دهیم.

وقتی مثلاً  عدد  349 را بر 5 تقسیم می‌کنیم، در واقع داریم 349 رو در 0.2 ضرب می‌کنیم. این را قبول دارید؟ بنابراین اول آن را در 2 ضرب می‌کنیم و بعد یک رقم اعشار عقب می­آییم!

## تکاپو - آهسته و پیوسته

در تابستان کم ولی مداوم درس بخوانید. با توجه به شرایط موجود در تابستان، برنامه‌ریزی بلندپروازانه و ایده‌آل  هدف‌های‌تان را دست‌نیافتی می‌کند. عملکرد تابستانی را به‌گونه‌ای تنظیم کنید که احساس خوبی در مهرماه داشته باشید. اگر هدف‌تان بهره‌مندی از درس خواندن در تابستان است، با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی پیش بروید تا نتیجه‌ متناسب با تلاشتان را کسب کنید و احساس مثبتی از خود در مهرماه داشته باشید. با تعیین اهداف کوتاه‌مدت (دو هفته یک‌بار) تابستانی ماندگار و تأثیرگذار را در تقویم خاطرات خود ثبت کنید.

## چقدر باهوشی - بزرگ‌تر کوچیک‌تر سرم میشه!!

بین دو عدد 5 و 6 چه قرار دهیم تا عد حاصل از 5 بزرگتر و از 6 کوچکتر باشد؟

پاسخ:علامت ممیز؛ 5/6

## اقتصاد مقاومتی - جام جهانی هویزه

جلسه خوبی بود که با اهالی و فعالان بومی منطقه هویزه در پایگاه مسجد محل داشتیم. قرار بر این شد که در هویزه یک جام تشکیل شود؛ یعنی جهاد اقتصاد مقاومتی هویزه به طوری که افراد جام باید خادم باشند به‌ویژه خادم تولید و هیچ چشم داشت مالی نداشته باشند، بلکه دندان طمع را هم از بین ببرند، طوری که این‌ها خودشان را روی سیم خاردارهای تولید بیندازند تا تولیدکنندگان هویزه بتوانند از روی آم ها عبور کنند.

## چراغ هدایت - پیرزن فریب‌کار

پیرزنی قدخمیده با چادری رنگین جلوی چشمان حضرت عیسی علیه‌السلام ظاهر شد. یک دستش حنا شده بود و دست دیگرش غرق خون. حضرت پرسید: «چرا کمرت خم شده؟» گفت: «بس که عمر کرده‌ام.» عیسی پرسید: «این چادر رنگین چیست با این سن و سال؟» گفت: «دل جوانان را با آن می‌ربایم.» پرسید: «چرا به دستت حنا زده‌ای؟» پیرزن گفت: «اکنون شوهر کردم!» حضرت پرسید: «آن یکی دستت چرا خونی است؟» گفت: «اکنون یکی از شوهرانم را کشتم! ای روح‌الله! این عجیب است که من پدر می‌کشم، پسر طالبم می‌شود؛ پسر می‌کشم، پدر طالبم می‌شود! عجیب‌تر اینکه هنوز هیچ‌کدام به وصالم نرسیده‌اند و انگار ازدواج نکرده‌ام!»[[1]](#footnote-1) بله! دنیا همین پیرزن است که خدا درباره‌اش می‌گوید:

**وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ[[2]](#footnote-2)**
و زندگی دنیا، (چیزی) جز سرمایه فریبنده (و پوچ) نیست.

1. کشکول منتظری یزدی [↑](#footnote-ref-1)
2. آل عمران 185 [↑](#footnote-ref-2)